

فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)
سال دوازدهم، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۹۹

ماهیت دوگانه در مفهوم‌سازی استعاری عشق در زبان فارسی: رویکردی شناختی^۱

مسعود توکلی گارماسه^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۵

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

پژوهش حاضر، به بررسی ماهیت دوگانه در مفهوم‌سازی استعاری عشق، در دو حوزه عواطف و روابط انسانی در زبان فارسی با رویکردی شناختی - و با بهره‌گیری از نظریه استعاره مفهومی - می‌پردازد. به این منظور، ۱۵ رمان فارسی از پایگاه دادگان زبان فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی انتخاب شدند. در انتخاب کلیدواژه‌های مرتبط با مفهوم عشق، به جستجو در پیکره پایگاه فارس‌نت آزمایشگاه پردازش زبان طبیعی دانشگاه شهید بهشتی و فرهنگ طیفی زبان فارسی پرداخته شد. پس از استخراج واژه‌های مرتبط با عشق، سه واژه پربسامدتر عشق، محبت و علاقه به عنوان کلیدواژه برای جستجو در پیکره انتخاب شدند. در نهایت، ۶۳ حوزه مبدأ برای مفهوم‌سازی استعاری عشق به دست آمد. برای مقایسه این حوزه‌های مبدأ با حوزه‌های مبدأ روابط انسانی،

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2020.14541.1301

^۲ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس؛

masoudtavakkoli@modares.ac.ir

کلیدواژه‌ *ازدواج*، به‌عنوان یک رابطه انسانی پیش‌نمونه، در کل پیکره پایگاه دادگان زبان فارسی جستجو شد. پس از بررسی پاره‌گفته‌های استعاری، ۲۶ حوزه مبدأ برای مفهوم‌سازی استعاری ازدواج به دست آمد. مقایسه حوزه‌های مبدأ عشق و ازدواج نشان داد که سه حوزه ویژه روابط انسانی یعنی پیوند، جنگ و قرارداد، بخشی از حوزه‌های مبدأ مشترک میان مفهوم عشق و ازدواج هستند. این موضوع، ماهیت دوگانه عشق را در زبان فارسی تأیید می‌کند. سپس، این حوزه‌ها با حوزه‌های مبدأ عواطف بنیادین خشم در اثر زورورز و همکاران (Zoorvarz et al., 2014) و شادی در اثر صراحی و عموزاده (Sorahi, & Amouzadeh, 2014) مقایسه شدند. یافته‌ها نشان داد که این سه حوزه در میان حوزه‌های مبدأ آن عواطف قرار ندارند و احتمالاً ماهیت دوگانه در بین عواطف، ویژه عشق است.

واژه‌های کلیدی: استعاره مفهومی، عواطف، مفهوم‌سازی عشق، ماهیت دوگانه

۱. مقدمه

معناشناسی شناختی به عنوان نقطه آغاز زبان‌شناسی شناختی، در سال ۱۹۸۰ شکل گرفت و توجه زبان‌شناسان غربی همچون لیکاف و جانسون را به خود جلب کرد. از آن‌جا که استعاره به بیان رابطه میان ذهن و زبان می‌پردازد، در زبان‌شناسی شناختی - که زبان را وسیله‌ای برای سازماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات می‌داند، همواره به عنوان یک موضوع اصلی مطرح بوده‌است. نظریه استعاره مفهومی^۱ که برای نخستین بار به وسیله لیکاف و جانسون (Lakoff & Johnson, 1980a) در کتاب *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*^۲ مطرح شد، از مهم‌ترین دیدگاه‌های زبان‌شناسی شناختی به شمار می‌آید. بر اساس این نظریه، استعاره مفهومی به معنای درک یک حوزه مفهومی انتزاعی در قالب یک حوزه مفهومی عینی و ملموس است. بر پایه نظریه استعاره مفهومی، مفاهیم انتزاعی و ذهنی که به تجربه فیزیکی در نمی‌آیند، حوزه مقصد^۳ و مفاهیمی که تجربه‌پذیر، عینی و متعارف هستند حوزه مبدأ^۴ نامیده می‌شوند. در اندیشه بشری همواره مفاهیم انتزاعی بر اساس مفاهیم عینی و فیزیکی درک و مفهوم‌سازی می‌شوند.

¹ conceptual theory of metaphor

² metaphors we live by

³ target domain

⁴ source domain

بر پایه نظریه استعاره مفهومی، استعاره‌ها در سطح مفاهیم روی می دهند نه واژه‌ها (Lakoff & Johnson, 1980a, 1980b). نظام مفهومی هر روزه انسان که افکار و اعمالش بر پایه آن استوار است، ماهیتی کاملاً استعاری دارد. زبان محاوره روزه انسان‌ها سرشار از پاره گفته‌های استعاری است. بنابراین، بدون استعاره‌ها که بر حسب ضرورت و نیاز انسان به درک و بازنمایی پدیده‌های نا آشنا شکل می گیرند، فهم حجم عظیمی از مفاهیم انتزاعی امکان پذیر نخواهد بود. البته این به آن معنا نیست که استعاره در زبان روزمره جنبه کاملاً ناخود آگاه دارد. رینیرس و همکاران (Reijnierse et al., 2019) نشان می دهند که علاوه بر استعاره‌هایی که به صورت ناخود آگاه در زبان انگلیسی مورد استفاده قرار می گیرد، ۴/۳۶ درصد استعاره‌های پیکره مورد مطالعه شان به صورت ارادی و آگاهانه مورد استفاده قرار گرفته اند. بیشتر این استعاره‌ها در حوزه ادبیات داستانی و خبر مشاهده شده اند.

در استعاره‌های مفهومی میان عناصر مفهومی تشکیل دهنده حوزه مقصد و مبدأ رابطه تناظر^۱ برقرار می شود و مفاهیم از حوزه مبدأ به حوزه مقصد منتقل می شوند. به بیان دیگر، عناصر مفهومی دو حوزه با یک دیگر متناظر می شوند که این تناظرها نگاشت نامیده می شود. یکی دیگر از مفاهیم بنیادین در نظریه استعاره مفهومی نام نگاشت است. تفاوت نام نگاشت با نگاشت در این است که نام نگاشت حالت گزاره‌ای دارد و به صورت حوزه مقصد حوزه مبدأ است بیان می شود اما نگاشت در حقیقت مجموعه‌ای است از تناظرهای هستی شناختی.

عواطف^۲ انسانی، یکی از فراگیرترین و مهم ترین جنبه‌های تجربه بشری است. همچنین قوه شناخت بشر می تواند بر عواطف تأثیر گذار باشد و متقابلاً از آن تأثیر پذیرد. بر این مبنا، بررسی عواطف از طریق مطالعات زبان شناختی روشی مناسب برای مطالعه قوه شناخت انسان است (Ortony et al., 1998). عواطف مفاهیمی انتزاعی هستند که بنیاد عینی و ملموس ندارند. به باور کووچس (Kövecses, 2000a) انسان‌ها برای توصیف عواطف خود ناگزیر هستند از استعاره‌های مفهومی استفاده کنند. مطالعات زبان شناختی نشان می دهد، فرایند استعاره بیشتر از آن- که صنعت ادبی به شمار آید فرایندی معنایی است که در ارتباطات بشری، کاربرد گسترده دارد (Lakoff & Johnson, 1980a). از آن جا که استعاره ابزاری قدرتمندی برای بیان حالات عاطفی انسان است، مطالعه استعاره‌های مفهومی به ویژه در حوزه عواطف و احساسات امروزه از موضوعات مهم و اساسی در زبان شناسی به شمار می آید.

¹ correspondence

² emotions

کووچش (Kövecses, 2000b, p. 111) معتقد است که مفهوم‌سازی استعاری عشق در زبان انگلیسی دارای ماهیتی دوگانه^۱ است. منظور او از ماهیت دوگانه این است که عشق گاهی با استفاده از استعاره‌های مربوط به روابط انسانی^۲ درک و مفهوم‌سازی می‌شود و گاهی از طریق استعاره‌های مربوط به عواطف. به باور وی، استعاره‌های مفهومی بسیاری برای مفهوم‌سازی روابط انسانی، مانند رابطهٔ دوستی، به کار می‌روند. او این پرسش را مطرح می‌کند که مفهوم‌سازی استعاری عواطف چه تفاوتی با مفهوم‌سازی استعاری روابط انسانی مانند دوستی، عشق و ازدواج دارد؟ کووچش برای سطح استعاره‌های ویژه^۳ مجموعه‌ای پربار و گوناگون از حوزه‌های مبدأ عواطف و روابط انسانی به دست می‌دهد. به اعتقاد او استعاره‌های ویژه‌ای همچون فشار درونی^۴، حریفی در نبرد^۵، حیوان وحشی^۶، مافوق اجتماعی^۷، نیروی طبیعی^۸ (موج، باد، طوفان)، و نمونه‌های آن در مفهوم‌سازی بیشتر عواطف به کار می‌روند. همچنین استعاره‌های ویژه‌ای همچون به اشتراک‌گذاری اشیاء (تجربه)^۹، مسافت (نزدیک و دور)^{۱۰}، گرما^{۱۱}، پیوند^{۱۲}، داد و ستد اقتصادی^{۱۳} و مانند آن در مفهوم‌سازی روابط انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

پژوهش حاضر نخستین اثری است که در زبان فارسی با رویکرد پیکره‌بنیاد تحلیل الگوی استعاری به بررسی ماهیت دوگانه در مفهوم‌سازی استعاری حوزهٔ انتزاعی عشق بر روی حجم عظیمی از داده‌های زبانی می‌پردازد. از رهگذر این بررسی، استعاره‌های مفهومی عشق در حوزهٔ روابط انسانی و عواطف شناسایی می‌گردد. بنابراین، پرسش اصلی پژوهش این است که چه شباهتی میان مفهوم‌سازی استعاری عشق در دو حوزهٔ عواطف و روابط انسانی در زبان فارسی وجود دارد و آیا مفهوم‌سازی استعاری عشق در زبان فارسی ماهیتی دوگانه دارد یا خیر؟ بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در روابط بین نظام‌های استعاری می‌تواند به درک بهتر عملکرد قوهٔ شناخت انسان در درک مفاهیم انتزاعی به واسطهٔ مفاهیم عینی کمک کند و در تحلیل‌های شناختی از کارکرد استعاره در زبان کاربرد داشته باشد.

¹ double-nature

² human relationships

³ level of specific metaphors

⁴ internal pressure

⁵ opponent in a struggle

⁶ wild animal

⁷ social superior

⁸ natural force

⁹ sharing (experience) objects

¹⁰ distance (close/distant)

¹¹ warmth

¹² bond

¹³ economic exchange

در این مقاله، حوزه‌های مبدأ مفهوم‌سازی استعاری عشق و ازدواج به صورت مجزا معرفی می‌شوند. سپس، با مقایسه این دو حوزه، حوزه‌های مبدأ مشترک به دست می‌آید. پس از مقایسه حوزه‌های مبدأ مشترک، با حوزه‌های مبدأ عواطف دیگر مانند خشم و شادی، مشخص می‌شود که سه حوزه مبدأ پیوند، جنگ و قرارداد برای مفهوم‌سازی استعاری عواطف دیگر به کار نرفته‌است. همین موضوع ماهیت دوگانه عشق را از نظر مفهوم‌سازی استعاری در زبان فارسی تأیید می‌کند. وجود این ماهیت دوگانه، نشان‌دهنده وجود هم‌پوشانی ناچیز در نظام استعاری عواطف و نظام استعاری روابط انسانی در زبان فارسی است. مطالعه شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در روابط بین نظام‌های استعاری می‌تواند به درک بهتر عملکرد قوه شناخت انسان در درک مفاهیم انتزاعی به واسطه مفاهیم عینی کمک کند و در تحلیل‌های شناختی از کارکرد استعاره در زبان کاربرد داشته باشد.

۲. پیشینه

بررسی استعاره و مجاز در میان فیلسوفان، صاحبان علم بلاغت، روان‌شناسان و زبان‌شناسان سابقه‌ای دو هزار ساله دارد. در میان غربیان، ارسطو نخستین فردی بود که درباره استعاره سخن گفت. او بر این باور بود که به کارگیری استعاره نشانه نبوغ است زیرا نمی‌توان آن را فرا گرفت. از زمان ارسطو تاکنون نظریه‌های گوناگونی در پیوند با مطالعه استعاره شکل گرفته‌است. پس از رواج نظریه استعاره مفهومی، بسیاری از زبان‌شناسان و در رأس آن‌ها کووچس (Kövecses 2000b, 2010a, 2010b) به مطالعه ساخت استعاری در حوزه عواطف پرداختند. مفهوم‌سازی عواطف نیز از آن جهت اهمیت دارد که مبنای ارتباط و جهان‌بینی یک فرهنگ را می‌نمایاند.

در پژوهش‌های مربوط به عواطف در زبان فارسی می‌توان به اثر پیرزاد و همکاران (Pirzad et al., 2012) اشاره کرد که به بررسی مقابله‌ای استعاره‌های مفهومی پنج احساس شادی، غم، خشم، ترس و عشق در متون ادبی انگلیسی و فارسی پرداخته‌اند. شرف‌زاده و زارع نیز (Sharafzadeh & Zare', 2012) مفهوم‌سازی استعاری ترس را در زبان فارسی مطالعه کرده‌اند. آن‌ها شش حوزه مبدأ مرگ، بی‌حرکتی، سیال، گیاه، سرما و حیوان درون را برای مفهوم‌سازی این حوزه مقصد شناسایی کرده‌اند. صراحی و عموزاده (Sorahi & Amouzadeh, 2014) شباهت‌ها و تفاوت‌های دو زبان فارسی و انگلیسی را در مفهوم‌سازی استعاری خشم بر اساس الگوی شناختی-زبانی لیکاف و کووچس (Lakoff & Kövecses, 1987; quoted from Sorahi & Amouzadeh, 2014) بررسی کردند. زورورز و همکاران (Zoorvarz et al., 2014) مفهوم‌سازی استعاری شادی را در زبان فارسی با رویکرد

بیکره‌بنیاد مورد بررسی قرار دادند و ۳۳ حوزه مبدأ را معرفی کردند. افراشی و مقیمی‌زاده (Afashiand Moqimizadeh, 2015) هم با استناد به شعر کلاسیک فارسی قرن ششم تا دهم قمری، تحلیلی از استعاره‌های مفهومی احساس شرم را ارائه کردند. آن‌ها پس از استخراج ۲۲۰ پاره‌گفته استعاری در مفهوم‌سازی استعاری شرم، به این نتیجه رسیدند که استعاره مفهومی کانونی برای دریافت مفهوم شرم در قالب نام‌نگاشت^۱ شرم به مثابه گرما شکل می‌گیرد.

درباره مفهوم‌سازی استعاری عشق نیز هاشمی (Hashemi, 2013) در رساله دکتری خود به بررسی نظام‌های استعاری عشق در پنج متن عرفانی بر اساس نظریه استعاره شناختی پرداخته است. یافته‌های پژوهش وی، چند نگاشت اصلی، از جمله عشق انسان است و عشق راه است را نشان می‌دهد. زرقانی و آباد (Zarghani & Abad, 2014) به بررسی استعاره‌های عشق در غزلیات سنایی پرداختند و پس از استخراج پاره‌گفته‌های استعاری در حوزه عشق، استعاره‌ها را بر اساس محتوا به سه دسته تقسیم کردند: استعاره‌هایی که تصویر روشنی از عشق ارائه می‌دهند، استعاره‌هایی که صفت‌ها و ویژگی‌های منفی برای عشق اعتبار کرده‌اند و استعاره‌های دوپهلوی. رستم‌بیک تفرشی و امیری (Rostambeik & Amiri, 2019) به تحلیل انتقادی استعاره عشق در ترانه‌های فارسی پرداخته‌اند. آن‌ها نتیجه گرفته‌اند در ترانه‌های فارسی، استعاره‌های هستی‌شناختی، ساختاری و جهتی به ترتیب بیشترین تا کمترین فراوانی را داشته‌اند.

پژوهش‌های مربوط به حوزه عشق در زبان فارسی بدون در نظر گرفتن ماهیت دوگانه آن و فقط در حوزه عواطف صورت گرفته است. بر این مبنا، پژوهش حاضر بر آن است با رویکرد بیکره‌بنیاد به بررسی مفهوم‌سازی استعاری حوزه مقصد عشق در دو حوزه عواطف و روابط انسانی پردازد. همچنین این مقاله بر آن است تا نشان دهد که استعاره‌های عشق در زبان فارسی، علاوه بر حوزه عواطف، در حوزه روابط انسانی نیز شکل می‌گیرد.

۳. روش گردآوری داده‌ها و انجام پژوهش

در این پژوهش، برای دستیابی به پاره‌گفته‌های استعاری بازنمایاننده مفهوم عشق، از کلیدواژه‌های مرتبط با واژه عشق در زبان فارسی برای جستجو در پیکره استفاده شد. برگزیدن کلیدواژه‌ها به صورت شمی، می‌تواند سبب نادیده گرفتن برخی کلیدواژه‌ها شود. به این منظور، از پایگاه مشارکت فارس‌نت^۲ آزمایشگاه پردازش زبان طبیعی دانشگاه شهید بهشتی و فرهنگ طیفی

¹ name of mapping

² <http://farsnet.nlp.sbu.ac.ir>

زبان فارسی (Faravari, 2008) که بیش از ۱۰۰ هزار مدخل واژگانی را در حدود ۴۰ هزار شبکه معنایی دسته‌بندی کرده‌است، استفاده شد.^۱ نخست، واژه‌ها و پاره‌گفته‌های موجود در شبکه معنایی عشق استخراج شد که مشتمل اند بر ابراز عشق کردن، تمایل، محبت، حب، مهر، مودت، ولا، توجه، علاقه، جگر، عزیز، عزیزترین، محبوب، گل، هدف، مهربانی، الفت، خوش گذرانی، عشق داشتن، گرایش زیادی داشتن، دوست داشتن، عشق ورزیدن، گرایش عاطفی شدید داشتن، عشقه، داردوست، پایتال، عشقی، عاشقانه، عشق آباد، عشق‌بازی کردن، معاشقه کردن، مغالزه کردن، برقرار کردن رابطه عاشقانه یا جنسی با کسی، عشق و عاشقی، عشق‌ورزی، معاشقه، مغالزه، ملاحظه، مهرورزی و مرغ عشق.

برای اطمینان بیشتر از اینکه واژه یا واژه‌های مرتبط دیگر از نظر دور نمانده است به فرهنگ طیفی زبان فارسی - که مانند پایگاه مشارکت فارس نت، شبکه‌های معنایی واژه‌ها را فهرست می‌کند، نیز مراجعه شد. سپس، کلیدواژه عشق در آن جستجو و واژه‌های دوستی، وفاداری، شیدایی، شیفتگی، رأفت، دلبستگی، میل، اشتیاق، دل‌دادگی، شور و جنون نیز به فهرست افزوده شد. سپس بسامدگیری از کلیدواژه‌های مورد اشاره در مجموعه رمان‌های فارسی پایگاه دادگان زبان فارسی^۲ انجام شد. سپس، کلیدواژه‌های عشق، محبت و علاقه به عنوان پربسامدترین کلیدواژه‌ها در مفهوم‌سازی حوزه عشق در میان کلیدواژه‌های اشاره شده انتخاب شدند. با وجود اینکه کلیدواژه‌های دیگری همچون توجه، دوستی و مهر نیز از بسامد بالایی برخوردار بودند، تحلیل مختصر جمله‌های شاهد، نشان می‌داد که این واژه‌ها در آثار انتخاب شده برای مفهوم‌سازی استعاره‌ای عشق استفاده نشده‌اند.

برای انجام پژوهش حاضر، از ۱۵ رمان فارسی در پایگاه دادگان زبان فارسی به عنوان پیکره مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها استفاده شده‌است.^۳ این آثار پس از جستجوی آزمایشی کلیدواژه‌های مرتبط با عشق در تمامی رمان‌های موجود در پایگاه دادگان زبان فارسی و با توجه به فراوانی بالای کلیدواژه‌های مرتبط در آن‌ها انتخاب شدند. سپس، پیکره ۷۶۰۳۳۰ واژه‌ای مورد مطالعه تشکیل شد. رمان‌های مورد استفاده، نویسندگان، سال انتشار و تعداد واژه‌های آن‌ها عبارتند از پری‌چهر (محمد حجازی، ۱۳۰۸، ۳۳۵۵۵ واژه)، دائی جان ناپلئون (ایرج پزشک‌راد، ۱۳۴۹، ۱۱۰۹۱ واژه)، ستارگان سیاه (سعید نفیسی، ۱۳۱۷، ۷۵۶۵۸ واژه)، سنگر و قمقمه‌های خالی (بهرام

^۱ برداشت اطلاعات از این پایگاه در دی و بهمن ۱۳۹۵ انجام گرفت.

^۲ <http://pldb.ihcs.ac.ir/>

^۳ برداشت اطلاعات از این پایگاه در دی و بهمن ۱۳۹۵ انجام گرفت.

صادقی، ۱۳۴۹، ۷۲۰۴۲ واژه)، شوهر آهو خانم (علی محمد افغانی، ۱۳۴۰، ۷۷۸۳۲ واژه)، شیرزاد یا گرگ جاده (احمد ناظرزاده کرمانی، ۱۳۲۰، ۶۳۱۶۸ واژه)، طوبا و معنای شب (شهرنوش پارسی پور، ۱۳۶۸، ۷۳۱۶۵ واژه)، قهرمان ایرانشهر (ش. پرتو، ۱۳۳۲، ۴۵۳۶۲ واژه)، لولی سرمست (رسول پرویزی، ۱۳۴۶، ۱۷۶۴۷ واژه)، مرگ بی‌وسایل (عباس پهلوان، ۱۳۵۱، ۱۵۷۲۶ واژه)، مسالک‌المحسنین (عبدالرحیم طالبوف، ۱۳۲۳ ه. ق، ۷۱۴۳۸ واژه)، مصابا و رویای گاجرات (نادر ابراهیمی، ۱۳۸۶، ۲۸۶۷۴ واژه)، نگاه (مصطفی رحیمی، ۱۳۴۸، ۵۷۷۶۵ واژه)، نیمه‌راه بهشت (سعید نفیسی، ۱۳۳۲، ۹۳۱۳۵ واژه)، یکلیا و تنهایی او (تقی مدرسی، ۱۳۳۴، ۲۴۰۷۲ واژه).

پس از برگزیدن کلیدواژه‌های مرتبط و آثار مورد نظر، جستجوی رایانه‌ای در پایگاه دادگان زبان فارسی آغاز شد. با استفاده از فهرست‌واژه‌نما، کلیدواژه‌های تعیین‌شده در ۱۵ اثر منتخب جستجو شد. سپس، جمله‌های شاهد یک به یک مورد بررسی قرار گرفت و پاره‌گفته‌هایی که عشق به صورت استعاری در آن‌ها مفهوم‌سازی شده بود، گردآوری شد. در پایان، از میان همه پاره‌گفته‌های زبانی در بردارنده کلیدواژه‌های عشق، ۲۴۶ پاره‌گفته استعاری برای کلیدواژه عشق، ۶۹ پاره‌گفته استعاری برای کلیدواژه محبت و ۱۳ پاره‌گفته استعاری برای کلیدواژه علاقه شناسایی شد.

در این پژوهش، برای تعیین حوزه‌های مبدأ مفهوم‌سازی‌کننده حوزه مقصد عشق در داده‌های گردآوری‌شده از دو روش به صورت مکمل استفاده شده‌است. در مواردی که حوزه مبدأ به سادگی قابل تشخیص بود، حوزه مبدأ به صورت شمی مشخص شد؛ مانند نام‌نگاشت عشق آتش است در جمله شاهد آتش عشق بیشتر زیانه می‌کشد. هر چند، در مواردی که تعیین حوزه مبدأ به سادگی امکان‌پذیر نبود، برای دور نیفتادن از واقعیت زبان و استفاده از امکانات و قابلیت‌های زبان‌شناسی پیکره‌ای، به پایگاه دادگان زبان فارسی رجوع و موارد باهمایی کلیدواژه‌های حوزه مبدأ استخراج شد. سپس، مفهوم ملموسی که بیشترین باهمایی را با کلیدواژه جستجو شده داشت، به عنوان حوزه مبدأ در نظر گرفته شد. دو نمونه از این تحلیل‌ها در زیربخش (۴.۱) و (۴.۲) ارائه شده‌است. به منظور ارزیابی اینکه مفهوم‌سازی استعاری عشق از ماهیت دوگانه برخوردار است یا خیر، لازم بود مفهوم‌سازی استعاری آن، با مفهوم‌سازی استعاری یکی از روابط اجتماعی مقایسه شود. کلیدواژه ازدواج به عنوان نماینده روابط انسانی برای گردآوری حوزه‌های مبدأ مربوط به حوزه روابط انسانی در زبان فارسی انتخاب شد. دلیل این انتخاب این است که در حوزه مفهوم‌سازی استعاری، ازدواج یکی از نماینده‌های اصلی حوزه روابط انسانی است (Kövecses, 2000b). دلیل انتخاب این کلیدواژه از میان کلیدواژه‌های مربوط به حوزه روابط اجتماعی، امکان

جستجوی ساده تر و داشتن واژه‌های هم‌معنای کم تر نسبت به نماینده‌های دیگر روابط اجتماعی است. فراوانی رخداد وقوع کلیدواژه ازدواج در ۱۵ اثری که پیکره اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند، بسیار پائین بود و حوزه‌های مبدأ محدودی را در اختیار پژوهشگر قرار می‌داد. بر این مبنا، این کلیدواژه با استفاده از فهرست واژه‌نمای پایگاه دادگان زبان فارسی در کل پیکره این پایگاه مورد جستجوی رایانه‌ای قرار گرفت. در مجموع ۱۱۸۳ مورد از کاربرد کلیدواژه ازدواج در پیکره پایگاه دادگان زبان فارسی یافت شد.

برای ارزیابی دقیق تر اینکه در میان عواطف، فقط عشق است که به حوزه روابط انسانی نیز وابستگی دارد، حوزه‌های مبدأ مفهوم‌سازی کننده حوزه‌های مقصد شادی و خشم به عنوان نماینده‌های عواطف بنیادین با حوزه‌های مبدأ مرتبط با روابط انسانی در این پژوهش مقایسه شد. حوزه‌های مبدأ مورد استفاده در این مقایسه آثار زورورز و همکاران (Zoorvarz et al., 2014) برای حوزه شادی و صراحی و عموزاده (Sorahi & Amouzadeh, 2014) برای حوزه خشم هستند. حوزه‌های مبدأ معرفی شده برای مفهوم شادی به وسیله زورورز و همکاران (Zoorvarz et al., 2014) مشتمل اند بر شیء، ماده، عمل، نور، نیرو، مکان، پرواز کردن، مایعی در ظرف، گرما، انسان، نوشیدنی سکرآور، ظرف، طعم شیرین، باز بودن، جانور، رنگ، نوشته، مسیر دارای مرتبه (روند)، مناسبت، دیوانگی، سرزندگی، نیروی طبیعی، بنا، بند، زنجیر، رایحه، بودن در بهشت، رود، گیاه، زمان، مایع داغ، منبع سرما، شکفتن و آب. حوزه‌های مبدأ معرفی شده توسط صراحی و عموزاده برای مفهوم خشم عبارت اند از گرما، آتش، مایع درون ظرف، دیوانگی، دشمن، حیوان خطرناک، قدرت مافوق و نیروی طبیعی. مشاهده می‌شود که نه فقط حوزه‌های مشترک میان عشق و ازدواج در پژوهش حاضر (پیوند، قرارداد و جنگ)، بلکه هیچ‌یک از حوزه‌های مبدأ ویژه روابط انسانی، در مفهوم‌سازی شادی و خشم به کار نرفته‌است.

۴. تحلیل داده‌ها

با توجه به محدودیت حجم مقاله، فقط یک مورد از پاره گفته‌های استعاری استخراج شده از پیکره با استفاده از کلیدواژه‌های عشق، علاقه و محبت به همراه حوزه مبدأ و فراوانی وقوع هر یک در جدول‌های (۱)، (۲) و (۳) ارائه شده‌است.

**جدول ۱: پاره‌گفته‌های استعاری در بردارندهٔ کلیدواژهٔ «عشق»
به همراه حوزه‌های مبدأ و به توتیب فراوانی رخداد در پیکره**

تکرار در پیکره	پاره‌گفتهٔ استعاری	حوزهٔ مبدأ	شماره
۲۸	جوانی در من پژمرد و عشقهایم را میان دشت‌ها گم کردم.	شیء	۱
۱۶	یکی را می‌خواهم که غیر از عشق، کار دیگری نداشته باشد.	عمل	۲
۱۳	باز عشق گریبان مرا می‌گرفت.	انسان	۳
۱۱	نوشین هم که عشق پرسوزوگداز نامزدش را بر باد رفته می‌دید	آتش	۴
۱۱	اما این بنای کوچک عشق هنوز ساخته نشده...	بنا	۵
۱۰	در عشق دروغ بسیار چیز خوبی است.	مکان	۶
۱۰	عشق همان‌طور که آب‌ها دشت را فرا می‌گیرند و به آن زیبایی می‌دهند، روح مرا نیز فرا گرفت.	مایع	۷
۹	با قوت عشقش که می‌خواست اسرائیل را ببلعد، به صحرا آمد.	نیرو	۸
۸	هرچه در آن لانهٔ عشق بود، با روح من بستگی داشت.	خانه	۹
۷	عشق در من مرد.	موجود زنده	۱۰
۷	آیا نمی‌خواهی ما هم از ماجرای عشق تو خبر داشته باشیم؟	داستان	۱۱
۶	این عشق به اوج کمال رسیده را با خود برد.	روند	۱۲
۶	آیا تو هم درس عشق خوانده‌ای؟	درس	۱۳
۵	ناگهان عشقش به زن دوباره گل کرده بود.	گیاه	۱۴
۵	یک ته گلیاس عشق را رسانده به دو سه پیاله.	نوشیدنی سکرآور	۱۵
۴	عشق در شیراز رایگان است.	کالا	۱۶
۴	جوان را در پیشروی در جبههٔ عشقش متوقف کرده بودند.	جنگ	۱۷
۴	من قدرت تحمل عشق او را داشتم.	بار	۱۸
۳	به او احساس تنفر کردم که این‌طور بی‌محابا عشق آسمانی ما را آلوده می‌کرد.	چیز مقدس	۱۹
۳	عشق پری‌چهر با جان من آمیخته بود.	مادهٔ مخلوط	۲۰
۳	در شیراز هیچکس را به گناه عشق رنج نمی‌دهند.	گناه	۲۱
۳	رشته‌های گرانهای عشق را یک‌باره بگسلد.	کالای ارزشمند	۲۲
۹	این عشق غذای روح اوست.	غذا	۲۳
۳	عشق خود را بیشتر در پردهٔ شرم پنهان می‌کند.	شیء پنهان	۲۴
۳	عشق همیشه خود راه خودش را دنبال خواهد کرد.	سفر	۲۵
۳	عشق از راه چشم به دل حمله می‌کند.	حریف	۲۶
۳	عازار که مریض عشق شده بود...	بیماری	۲۷
۳	او عواقب ترسناک عشق را برایم شرح می‌داد.	رویداد	۲۸
۲	می‌گذاشت تا خشم و خروش و درد و رنج و کینه و عشق مردم به صخره وجودش برخورد کند.	نیروی طبیعی	۲۹
۲	نور عشق وجودم را روشن کرد.	نور	۳۰
۲	امید سودی در عشق بوده است.	معامله	۳۱

تکرار در پیکره	پاره گفته استعاری	حوزه مبدأ	شماره
۲	دست کبود و پر گوشت خود را روی دست پیر و پژمرده و رنگ انداخته پیرزن بزدی می گذارد با فشاری پر از عشق و مهربانی و دوستی.	مایع درون ظرف	۳۲
۲	از هفت شهر عشق گذر کند.	شهر	۳۳
۲	باید مثل آدم‌های بزرگ برای دفاع از عشق خود کاری بکند.	چیز باارزش	۳۴
۲	عشق دیوانه‌اش کرده.	جنون	۳۵
۲	...با اروپای شرقی نرد عشق می‌بازد.	بازی	۳۶
۲	چرا عشق تو با تمام لطافتش با راستی سازگار نیست؟	چیز لطیف	۳۷
۲	عمق عشق	ظرف	۳۸
۱	برای عشق لاله می‌زدی.	رویداد خوشایند	۳۹
۱	عشق را تو به من لطف کردی.	هدیه	۴۰
۱	با همه معجزه‌هایی که برای عشق می‌گویند...	معجزه	۴۱
۱	بعد از روزهای پراضطراب آغاز عشق...	میسر	۴۲
۱	عشقشان همانند مردابی اندک اندک به باطلاق تبدیل شده بود.	مرداب	۴۳
۱	در برابر لالایی عشق و محبت او پاسخ می‌دهد.	لالایی	۴۴
۱	چهارده سال عشق پاک و مقدسی را مثل یک دانه گوهر در صدف سینه پر مهر پرورانده بود.	گوهر	۴۵
۱	هیچ چیز غیر از عشق مرا گرم نمی‌کند.	گرما	۴۶
۱	اول دشمن سعادت و برهم زن عشق، خودمانیم.	قرارداد	۴۷
۱	آن چه حلقه عشق‌ها را تنگ‌تر و پرماجرتر می‌کند عدم اطمینان است.	فضا	۴۸
۱	منظومه‌ای از عشق می‌سراید.	شعر	۴۹
۱	صدای سخن عشق آشناست.	سخن	۵۰
۱	از نوشتابه عشق به راه افتاد.	نوشتیدنی	۵۱
۱	او نمی‌داند که قلب‌های جوان سرچشمه عشق‌های آتشین است.	رود	۵۲
۱	می‌بینم که از عشق ما لذت می‌برد.	حس فیزیکی لذت‌بخش	۵۳
۱	عشق بهتر است یک‌طرفه باشد یا دوطرفه؟	جاده	۵۴
۱	ذائقه لطیف عشق آموزان یا عشق اندوزان همواره در پی آنست که به طعامی ناچشیده و باده‌ای ناکشیده آشنا گردد.	ثروت	۵۵
۱	تیر عشقت به دلم کارگر افتاد.	تیر	۵۶
۱	نسبت به وی، عشق برادرانه‌ای پیدا کرد.	پیوند	۵۷
۱	نشیده است هرگز بوی عشق.	بو	۵۸
۱	می‌خواهد آیینۀ عشقش را خدشه‌دار سازد.	آیینه	۵۹
۱	آن چه حلقه عشق‌ها را تنگ‌تر و پرماجرتر می‌کند عدم اطمینان است.	دام	۶۰
۱	آقای قاهر نیا با این ذائقه آزمون عشق در میدان سپه...	آزمون	۶۱
۱	یک روز که با خرش از مزرعه برمی‌گردد به یک دختر دهاتی برمی‌خورد- عشقی مثل آب چشمه زلال...	آب	۶۲

**جدول ۲: پاره‌گفته‌های استعاری در بردارندهٔ کلیدواژهٔ «محبت»
به همراه حوزه‌های مبدأ به ترتیب فراوانی رخداد در پیکره**

شماره	حوزهٔ مبدأ	پاره‌گفتهٔ استعاری	تکرار در پیکره
۱	عمل	با رفقا نیز همین محبت را کرد.	۱۲
۲	شیء	ای کاش... مکون حقیقی مادهٔ محبت را در هیولای انسانی نسرشتی.	۱۱
۳	غذا	برای روح، غذای دوستی و محبت فراهم کرد.	۳
۴	کالای ارزشمند	تمم در گرو محبت تو است.	۳
۵	دام	به محبت اولاد گرفتار بود.	۲
۶	بنا	به صور اعظم قسم که محبت تو اساس زندگی من بود.	۲
۷	شیء پنهان	علاقه و محبتی که... به او پیدا کرده بود...	۲
۸	مرگ	محبت مثل مرگ زور آور... است.	۱
۹	آتش	آتش محبتم را سوزان کن	۱
۱۰	آیین	در آیین محبت شما هجرت من این طور جلوه نموده.	۱
۱۱	بار	آن قدر که جانم نیروی تحمل محبت مرا نداشته باشد.	۱
۱۲	بازی	چنان سرگرم محبت‌های میزبان و کریم شده‌ایم...	۱
۱۳	پیوند	می‌خواهم... رابطهٔ محبت چندین ساله را قطع نمایم.	۱
۱۴	درس	در کلاس چهارم دبیرستان، مهر و محبت و آیین و دین و موسیقی و شنا درس می‌خواند.	۱
۱۵	سخن	حرف محبت و عشق از دهن شما نشنیده‌ام.	۱
۱۶	ظرف	اول محبت عمیق و مایه‌دار به هر چه انسون ساده و طبیعی.	۱
۱۷	قلمرو	او پادشاه محبت است.	۱
۱۸	لالایی	در برابر لالایی عشق و محبت او پاسخ می‌دهد.	۱
۱۹	نیرو	محبت مثل مرگ زور آور... است.	۱

**جدول ۳: پاره‌گفته‌های استعاری در بردارندهٔ کلیدواژهٔ «علاقه»
به همراه حوزه‌های مبدأ و فراوانی رخداد در پیکره**

شماره	حوزهٔ مبدأ	پاره‌گفتهٔ استعاری	تکرار در پیکره
۱	شیء	می‌دانست که شوهرش به هما علاقه پیدا کرده است.	۱۰
۲	دام	هر روز بیشتر در بند علاقهٔ من گرفتار می‌شد.	۱
۳	انسان	علاقه و دلبستگی به دارایی و اموال خود را به جایی می‌رساند که...	۱
۴	نیرو	به تدریج که علاقهٔ دانی جان به ناپلئون شدت پیدا کرد...	۱

۴.۱. چند نمونه از تحلیل‌های صورت گرفته برای تعیین حوزه‌های مبدأ عشق با استفاده از پیکره پایگاه دادگان زبان فارسی

الف) همراه عشق شما سایه زن دیگری هم باشد تا آن را شیرین و محکم کند. تعیین حوزه مبدأ مفهوم عشق در پاره گفته استعاری بالا به دلیل کاربرد بسیار گوناگون واژه همراه در بافت‌های گوناگون زبان فارسی به سادگی امکان پذیر نیست. نگارنده، در این موارد چاره را در آن دید که به جای ارجاع به شمّ زبانی و برای دور نیفتادن از واقعیت زبان، حوزه مبدأ را با رجوع به پیکره و استخراج پاره گفته‌های مشتمل بر کلیدواژه مورد نظر مشخص کند. سپس، نگارنده نمونه‌های کاربرد عینی آن کلیدواژه را فهرست نموده تا پربسامدترین حوزه عینی به عنوان حوزه مبدأ انتخاب کند. فراوانی واژه همراه و مشتقات آن در پیکره روزنامه همشهری در پایگاه دادگان زبان فارسی ۲۴۰ مورد است. از این میان، در ۱۰۴ مورد برای اشاره به انسان (مانند همراه با دسته‌های عزاداری)، ۱۶ مورد برای اشاره به اشیاء (مانند مینی بوس دودزا به همراه ده‌ها اتوبوس دیگر) و ۱۲۰ مورد دیگر به صورت استعاری (مانند همواره غم‌ها و شادی‌ها همراه این رشته است) به کار رفته است. بنابراین به نظر می‌رسد که نام‌نگاشت عشق انسان است برای پاره گفته استعاری مورد نظر مناسب باشد.

ب) مگر عشق تو عظمت نداشت؟

فراوانی واژه عظمت در پیکره پایگاه دادگان زبان فارسی ۲۵۴ مورد است. بررسی یک‌به‌یک پاره گفته‌های دربردارنده این واژه نشان می‌دهد که این واژه فقط در شش مورد برای اشاره به مفاهیم عینی به کار رفته است: عظمت بناهای پاریس / عظمت نزدیک به بی‌نهایت چهارضلعی (خانه) / مسجد جامع با این شکوه و عظمت / مدرسه چهارباغ با عظمت هر چه تمام‌تر / قصری با آن شکوه و عظمت ساختم / تصمیم گرفت قصری در شیراز بسازد که از حیث عظمت و شکوه و استحکام و زیبایی برتر از قصور عهد ساسانیان باشد / در ۲۴۸ مورد دیگر، عظمت در مورد مفاهیم انتزاعی به کار رفته است. مشاهده می‌شود که این واژه برای اشاره به مفاهیم عینی فقط در مورد بنا کاربرد دارد، بنابراین نام‌نگاشت عشق بنا است در این مورد مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

پ) عمر خود را بر دریا گذرانده، هما، در کشتی زیر فرمان خود که همان عشق خلل ناپذیرش باشد.

فراوانی واژه خلل و مشتقات آن در پیکره پایگاه دادگان زبان فارسی ۱۰۸ مورد است. موارد کاربرد این واژه، در حوزه‌های ملموس مشتمل اند بر دیوارهای مستحکم آن زیرزمین خلل ناپذیر است / به خود سنگ خلل وارد می‌کنند / از حرکت کلیه آن‌ها قوه‌ای بنام اپیر یا روح الارواح تولید نمودم که خلل و فرج کائنات و بعد فضا مخلا نماند. در این مورد، هم به نظر می‌رسد زیرزمین و

کائنات اشاره به ساختار مستحکمی دارند که خلل در آن مشاهده می‌شود. نام‌نگاشت عشق بنا است در این مورد هم مناسب به نظر می‌رسد.

جدول (۴) که از تلفیقِ جدول‌های (۱)، (۲) و (۳) به دست آمده‌است، حوزه‌های مبدأ نمایانندهٔ حوزهٔ مقصد عشق را در پاره‌گفته‌های زبانی دربردارندهٔ سه کلیدواژهٔ عشق، محبت و علاقه به ترتیب فراوانی رخداد در پیکره نشان می‌دهد.

جدول ۴: مجموع حوزه‌های مبدأ مرتبط با حوزهٔ «عشق»
به ترتیب فراوانی رخداد در پیکره

شماره	حوزهٔ مبدأ	تکرار در پیکره	شماره	حوزهٔ مبدأ	تکرار در پیکره
۱	شیء	۵۶	۳۳	نور	۲
۲	عمل	۲۸	۳۴	معامله	۲
۳	انسان	۱۵	۳۵	شهر	۲
۴	آتش	۱۳	۳۶	چیز باارزش	۲
۵	بنا	۱۳	۳۷	جنون	۲
۶	مایع	۱۱	۳۸	چیز لطیف	۲
۷	نیرو	۱۱	۳۹	لالایی	۲
۸	شیء پنهان	۱۱	۴۰	ظرف	۲
۹	مکان	۱۰	۴۱	سخن	۲
۱۰	خانه	۸	۴۲	پیوند	۲
۱۱	موجود زنده	۷	۴۳	آئینه	۲
۱۲	داستان	۷	۴۴	رویداد خوشایند	۱
۱۳	درس	۷	۴۵	هدیه	۱
۱۴	طعم	۶	۴۶	معجزه	۱
۱۵	روند	۶	۴۷	مسیر	۱
۱۶	کالای ارزشمند	۶	۴۸	مرداب	۱
۱۷	غذا	۶	۴۹	گوهر	۱
۱۸	گیاه	۵	۵۰	گرما	۱
۱۹	نوشیدنی سکرآور	۵	۵۱	قرارداد	۱
۲۰	بار	۵	۵۲	شعر	۱
۲۱	کالا	۴	۵۳	نوشیدنی	۱
۲۲	جنگ	۴	۵۴	رود	۱
۲۳	دام	۴	۵۵	حسن فیزیکی لذت‌بخش	۱
۲۴	چیز مقدس	۳	۵۶	ثروت	۱
۲۵	مادهٔ مخلوط	۳	۵۷	تیر	۱
۲۶	گناه	۳	۵۸	بو	۱
۲۷	سفر	۳	۵۹	آزمون	۱
۲۸	حریف	۳	۶۰	آب	۱
۲۹	بیماری	۳	۶۱	مرگ	۱
۳۰	رویداد	۳	۶۲	قلمرو	۱
۳۱	بازی	۳	۶۳	جاده	۱
۳۲	نیروی طبیعی	۲			

در جدول (۵)، حوزه‌های مبدأ مرتبط با حوزه ازدواج به همراه یک نمونه از پاره‌گفته‌های استعاره‌ی دربردارنده هر حوزه و فراوانی رخداد در پیکره پایگاه دادگان زبان فارسی ارائه شده‌است. کلیدواژه در نظر گرفته شده برای این بخش، ازدواج است.

جدول ۵: حوزه‌های مبدأ مرتبط با حوزه «ازدواج» به ترتیب فراوانی رخداد در پیکره پایگاه دادگان زبان فارسی

شماره	حوزه مبدأ	پاره‌گفته استعاره‌ی	تکرار در پیکره
۱	رویداد	واقعه ازدواج و تمکین برگزار شد.	۱۴
۲	عمل	...تعدد ازدواج از طرف مبعوثین ملت مجاز نیست.	۱۰
۳	شیء	این تأثیر در نگاه آن‌ها به ازدواج و طلاق در دوران بعدی نیز تعمیم می‌یابد.	۱۱
۴	قرارداد	زن جوان قصد داشت به رسم آن زمان، با نامزد و محبوب خود، پیمان ازدواج ببندد.	۱۱
۵	پیوند	اگر در عقد ازدواج مهریه ذکر نشود عقد صحیح است یا باطل؟	۱۰
۶	مکان	یگانه راه وصال را در ازدواج دید.	۶
۷	سفر	این مواعی که فرخنده می‌گوید بر سر راه ازدواج با من دارد چیست؟	۴
۸	مسیر	در ابتدای ازدواج از این‌ها دست برداشته بود.	۴
۹	بلا	مهریه‌های سنگین باعث گریز جوانان از ازدواج شده است.	۳
۱۰	شیء پنهان	راز ازدواج پنهانی ما مسکوت مانده بود.	۳
۱۱	کالا	از من که جای مادرش بودم، تقاضای ازدواج می‌کرد.	۳
۱۲	ماده	کاهش ازدواج و زاد و ولد و افزایش آمار طلاق...	۳
۱۳	انسان	این ازدواج غوغا در مطبوعات برپا کرد.	۳
۱۴	راز	راز ازدواج پنهانی ما مسکوت مانده بود.	۲
۱۵	موجود زنده	اختلاف درون خانواده سلطنتی بر سر ازدواج ولیعهد آینده کشور...	۲
۱۶	بار	از زیر بار ازدواج تحمیلی شانه خالی کرده...	۱
۱۷	جنگ	همگی در ازدواج شکست خورده...	۱
۱۸	حریف	با ازدواج فرزندان‌شان مخالفت می‌کنند.	۱
۱۹	دارو	مدیریت استرس و یا ازدواج‌درمانی نیز نتیجه بخش بوده است.	۱
۲۰	رؤیا	رسیدن به رؤیای ازدواج...	۱
۲۱	طعم	ازدواج آن‌ها یکی از شیرین‌ترین فصول داستان (ده مرد رشید) است.	۱
۲۲	عشق	می‌گیم که ازدواج اون موقع بُرش عشقه.	۱
۲۳	فضا	محدود کردن ازدواج و توالد...	۱
۲۴	گیاه	ثمره ازدواج سوم او پنج فرزند دختر...	۱
۲۵	ماده مخلوط	یکی از بخش‌های مهم آن، ازدواج ناهمگون است.	۱
۲۶	معجزه	شما نیز منتظر معجزه ازدواج هستید.	۱

۲.۴. چند نمونه از تحلیل‌های انجام‌شده برای تعیین حوزه‌های مبدأ ازدواج با استفاده از پیکره پایگاه دادگان زبان فارسی

الف) این ازدواج غوغا در مطبوعات برپا کرد.

فراوانی واژه غوغا در پایگاه دادگان زبان فارسی ۱۲۲ مورد است. مواردی که عاملی غیر انتزاعی در ایجاد غوغا نقش داشته‌است، ۱۶ مورد است: محی‌الدین غوغائی عرفانی در جهان اسلام از اندلس گرفته تا... برپا کرد/ ملکه پارس به خوبی می‌فهمید که در درون آن مرد ناشناس چه آتشی برافروخته و چه غوغائی بر پا کرده‌است/ تو خودت نمی‌دانی چه غوغائی داری بر پا می‌کنی/ پیرامون خلیفه غوغائی راه انداختند/ شاید واقعاً جدای از غوغاها و دفاع از عملکرد گذشته سخنی هم برای گفتن وجود دارد/ جدال و غوغای آدمیان بر سر موهوم و بازیچه/ سبب آن همه شور و غوغای خانم من خودم بودم/ چه دیر از تردد و غوغای شهروندان خالی می‌شود/ حرکت آن‌ها بر شور و غوغای مجلس افزود/ غوغای مردم نمی‌گذاشت چیزی حالی بشویم/ حرف می‌زدند و غوغایی راه انداخته بودند که صدا به صدا نمی‌رسید/ نماینده که در مجلس منشأ غوغایی شده.../ خدای بزرگ چنان آشوبی برانگیزد و غوغایی برپا کند که جسد مرده او در صحرا طعمه بهایم گردد/ غوغای پای اسب/ غوغای کلاغ‌ها (۲ مورد).

مشاهده می‌شود که غوغا به پا کردن در ۱۲ مورد به انسان نسبت داده شده‌است. بنابراین، نام-

نگاشت ازدواج انسان است درست به نظر می‌رسد.

ب) یک احضار کننده روح مانع ازدواج یک زوج در ملز می‌شد.

فراوانی واژه مانع در پیکره همشهری گوناگون ۱۴۶۳ مورد است. در ۶۲۸ مورد، این واژه به معنای جلوگیری از روی دادن یک عمل به کار رفته‌است؛ مانند: مانع دید بود/ مانع تحقیقات علمی شده‌است/ فزونی جمعیت مرا مانع آمد که جلوتر بروم/ معدن زغال‌سنگ یافته شد و حاکم استرآباد خواست به استخراج آن همت گمارد اما جانشین امیر مانع آمد/ جلوگیری از ورود پارچه‌های پشمی آلمانی و بلژیکی، مانع صدور پارچه‌های انگلیسی به ایران نخواهد گشت/ حکومت آن‌جا مانع آمد/ ... مانع بیرون رفتن ذخیره طلا و نقره ایران گردد/ سیاست دولت مانع فروش کالای روسی گشته/ ... مانع تعمیر کلیسای ارامنه در خیرآباد سلماس بشود/ گرسنگی این موجودات بی‌نوا مانع غذا خوردن من نمی‌شد/ نبودن فضای باز تفکر مانع تحقیقات است/ انتهای تپه مانع دید بود.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، انتخاب یک حوزه مبدأ ویژه از میان حوزه‌های مبدأ پاره‌گفته‌های استعاره به دلیل پراکندگی بالای حوزه‌های مبدأ بسیار دشوار است. در چنین

شرایطی، انتخاب وجه مشترک حوزه‌های موجود، بسیار راه‌گشا خواهد بود. در مورد پاره‌گفتار استعاری مورد اشاره، به نظر می‌رسد نام‌نگاشت ازدواج عمل است قادر به پوشش همه یا بیشتر پاره‌گفته‌های استعاری موجود باشد.

(پ) از من که جای مادرش بودم، تقاضای ازدواج می‌کرد.

واژه تقاضا در پایگاه دادگان زبان فارسی در بخش همشهری گوناگون ۴۲ بار به کار رفته است که ۳۲ مورد آن در مورد مفاهیم انتزاعی و ۱۰ مورد در مورد مفاهیم عینی است: تقاضای کالا، سیم کارت، نفت، شغل، روغن، ماهی، خوراک، کالای مصرفی، واحدهای مسکونی و منابع. به نظر می‌رسد که نام‌نگاشت ازدواج کالا است بهترین انتخاب در مورد حوزه مبدأ پاره‌گفته استعاری بالا باشد.

با مقایسه جدول (۴) و (۵)، حوزه‌های مبدأ ویژه مفهوم عشق، حوزه‌های مبدأ ویژه مفهوم ازدواج و حوزه‌های مشترک میان عشق و ازدواج تعیین می‌شود. جدول (۶)، این حوزه‌ها را به همراه فراوانی رخداد در پیکره نشان می‌دهد.

در این پژوهش مشاهده شد که در بین ۱۹ حوزه مبدأ مشترک میان مفاهیم عشق و ازدواج، حوزه‌های پیوند، قرارداد و جنگ حوزه‌های مبدأ ویژه روابط انسانی هستند. چرا که هر سه حوزه طرفین فعالی دارند که در رابطه مشارکت می‌کنند و بدون وجود یکی از آنها رابطه انسانی شکل نمی‌گیرد. بنابراین، وجود حوزه‌های مشترک معنادار میان حوزه مقصد ازدواج و حوزه مقصد عشق، ماهیت دوگانه عشق را تأیید می‌کند. منظور از حوزه‌های مشترک معنادار این است که نمی‌توان فقط وجود حوزه‌های مبدأ مشترک را دلیلی بر ماهیت دوگانه به شمار آورد و باید به دنبال حوزه‌های اشتراک معنادار بود. زیرا به احتمال فراوان با مقایسه حوزه‌های مبدأ همه عواطف با حوزه‌های مبدأ روابط انسانی مانند دوستی و ازدواج، به حوزه‌های مبدأ مشترک گوناگونی برخورد خواهیم کرد. هر چند مشاهده حوزه‌هایی که ویژه مفهوم‌سازی روابط انسانی، و عمدتاً نشان‌دهنده تعامل دوجانبه طرفین رابطه هستند، مانند حوزه قرارداد، در مفهوم‌سازی عشق، تأییدکننده ماهیت دوگانه عشق است. نخست، باید اطمینان به دست می‌آمد که حوزه‌های مبدأ پیوند، جنگ و قرارداد - که حوزه‌های مبدأ در استعاره‌های مربوط به روابط انسانی هستند، در مفهوم‌سازی استعاری عواطف دیگر کاربرد ندارند و ماهیت دوگانه، محدود به مفهوم‌سازی استعاری عشق است. به این منظور، لازم بود تا کاربرد این حوزه‌های مبدأ در مفهوم‌سازی استعاری عواطف دیگر مورد بررسی قرار گیرد. بررسی حوزه‌های مبدأ به کاررفته برای مفهوم‌سازی استعاری شادی در زبان فارسی در اثر زورورز و همکاران (Zoorvarz et al., 2014) و حوزه‌های مبدأ به کاررفته برای مفهوم‌سازی استعاری خشم در زبان فارسی در اثر صراحی و عموزاده (Sorahi

Amouzadeh, 2014) نشان داد که حوزه‌های پیوند، قرارداد و جنگ برای مفهوم‌سازی این عواطف مورد استفاده قرار نگرفته‌است.

جدول ۶: حوزه‌های مبدأ مفهوم «عشق»، حوزه‌های مبدأ مفهوم «ازدواج» و حوزه‌های مشترک میان «عشق» و «ازدواج»

شماره	مبدأ ویژه عشق	تکرار در پیوره	ازدواج	مبدأ ویژه ازدواج	تکرار در پیوره	ازدواج	تکرار در پیوره	مبدأ ویژه عشق	تکرار در پیوره
۱	خانه	۱۳	دارو	۱	انسان	۱۹	۳	تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۲	آتش	۱۳	راز	۲	بار	۶	۱	تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۳	مایع	۱۱	معجزه	۱	پیوند	۲	۱۰	تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۴	نیرو	۱۱			جنگ	۴	۱	تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۵	داستان	۸			حریف	۳	۱	تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۶	درس	۷			رویداد	۲	۱۴	تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۷	روند	۷			سفر	۳	۴	تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۸	غذا	۶			شیء	۳۸	۱۴	تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۱۰	چیز با ارزش / مقدس	۵			غذا	۶	۱	تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۱۱	دام	۵			فضا	۱	۱	تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۱۲	بازی	۴			کالا	۴	۳	تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۱۳	بیماری	۳			گیاه	۶	۱	تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۱۴	گناه	۳			ماده	۲۴	۳	تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۱۵	آئینه	۲			ماده مخلوط	۳	۱	تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۱۶	جنون	۲			مکان	۱۰	۶	تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۱۷	سخن	۲			موجود زنده	۷	۲	تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۱۸	سطح لطیف	۲			قرارداد	۱	۱۰	تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۱۹	شهر	۲			مسیر	۱	۴	تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۲۰	ظرف	۲						تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۲۲	لالایی	۲						تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۲۳	مایع درون ظرف	۲						تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۲۴	معامله	۲						تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۲۵	نور	۲						تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۲۶	نوشیدنی	۲						تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۲۷	نیروی طبیعی	۲						تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۲۸	آب	۱						تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۲۹	آزمون	۱						تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۳۰	بو	۱						تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۳۱	تیر	۱						تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۳۲	ثروت	۱						تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۳۳	جاده	۱						تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۳۴	حس فیزیکی لذت‌بخش	۱						تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۳۵	رود	۱						تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۳۶	شعر	۱						تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۳۷	گوهر	۱						تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	
۳۸	هدیه	۱						تکرار در پیوره مربوط به ازدواج	

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، ماهیت دوگانه عشق در دوحوزه روابط انسانی و عواطف را مورد بررسی قرار داد. برای انجام این پژوهش، ۶۳ حوزه مبدأ به کار رفته برای مفهوم‌سازی عشق در ۱۵ رمان فارسی در پایگاه دادگان زبان فارسی شناسایی شد. سپس، به بررسی این موضوع پرداخته شد که آیا عشق در حوزه مفهوم‌سازی استعاری، ویژگی‌های یک رابطه انسانی را هم از خود نشان می‌دهد یا خیر. در این راستا، لازم بود که حوزه‌های مبدأ مفهوم‌سازی استعاری عشق با حوزه‌های مبدأ مفهوم‌سازی استعاری یک رابطه انسانی پیش‌نمونه مقایسه شود. به این منظور، ازدواج به عنوان یک رابطه انسانی انتخاب شد و ۲۶ حوزه مبدأ مفهوم‌سازی استعاری آن در کل پایگاه دادگان زبان فارسی به دست آمد.

مقایسه حوزه‌های مبدأ مربوط به عشق و ازدواج نشان داد که حوزه‌های مبدأ پیوند، قرارداد و جنگ، سه حوزه‌ای هستند که هم برای مفهوم‌سازی استعاری عشق و هم برای مفهوم‌سازی استعاری ازدواج به کار رفته‌اند. به بیان دیگر، مفهوم‌سازی استعاری عشق در زبان فارسی به صورت هم‌زمان در دو حوزه عواطف و روابط انسانی صورت می‌گیرد. همچنین، نمی‌توان در پژوهش‌های استعاره‌شناختی، عشق را فقط به عنوان یکی از عواطف در کنار عواطفی مانند شادی و خشم قرار داد. چرا که مقایسه یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های پیشین نشان داد که حوزه‌های مبدأ ویژه روابط انسانی در مفهوم‌سازی استعاری خشم و شادی به کار نرفته‌است.

وجود هم‌پوشانی میان نظام استعاری عواطف و نظام استعاری روابط انسانی می‌تواند اطلاعاتی شناختی در مورد فرایند مفهوم‌سازی استعاری در زبان فارسی ارائه دهد. از جمله می‌توان به این نکته اشاره کرد که در نظر گرفتن مرز مشخص میان نظام‌های استعاری مختلف به راحتی امکان‌پذیر نیست. همچنین، دسته‌بندی مفاهیم در حوزه‌های مختلف مانند عواطف و روابط اجتماعی لزوماً به معنای تأیید این دسته‌بندی توسط نظام‌های استعاری این مفاهیم نیست.

فهرست منابع

- افراشی، آرزیتا و محمدمهدی مقیمی‌زاده (۱۳۹۳). «استعاره‌های مفهومی در حوزه‌ی شرم با استناد به شواهدی از شعر کلاسیک فارسی»، *زبان‌شناخت*. سال پنجم. شماره ۱۰. صص ۱-۲۰.
- رستم‌بیک تفرشی، آتوسا و محمدعارف امیری (۱۳۹۸). «تحلیل انتقادی استعاره عشق در ترانه‌های فارسی: رهیافتی پیکره‌ای». *زبان‌پژوهی*. سال ۱۱. شماره ۳۰. صص ۷۳-۹۸.
- زرقانی، سید مهدی و مریم آباد (۱۳۹۳). «تحلیل شناختی استعاره‌های عشق در غزلیات سنایی». *جستارهای نوین ادبی*. شماره ۱۸۳. صص ۱-۳۰.

- زوروز، مهدیس، آرزیتا افراشی و سید مصطفی عاصی (۱۳۹۲). «استعاره‌های مفهومی شادی در زبان فارسی: یک تحلیل پیکره‌مدار». *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. سال ۲. شماره ۷۲-۴۹.
- شرف‌زاده، محمدحسین و امین زارع (۱۳۹۱). «بررسی شناختی مفهوم استعاری ترس در زبان فارسی». *مجموعه مقالات هشتمین همایش زبان‌شناسی ایران*. ج ۱. به کوشش محمد دبیرمقدم. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. صص ۴۰۷-۴۰۰.
- صراحی، محمدامین و محمد عموزاده (۱۳۹۲). «بررسی مقایسه‌ای استعاره‌های خشم در زبان فارسی و انگلیسی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. سال ۶. صص ۶۰-۳۹.
- فراروی، جمشید (۱۳۸۷). *فرهنگ طیفی زبان فارسی*. تهران: انتشارات هرمس.
- هاشمی، زهره (۱۳۹۲). *بررسی نظام‌های استعاری عشق در پنج متن عرفانی بر اساس نظریه استعاره شناختی*. رساله دکتری. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

وب‌گاه‌ها

<http://farsnet.nlp.sbu.ac.ir> <http://pldb.ihcs.ac.ir/>

References

- Afashi A., & Moqimizadeh, M. M. (2015). Conceptual metaphors of shame in Persian classic poetry. *Zabanshenakht*, 5 (10), 1-20 [In Persian]. Fararavi, J. (2008). *Persian Thesaurus*. Tehran: Hermes [In Persian].
- Hashemi Z. (2013). *Investigating metaphorical systems of love in five mystic texts according to the cognitive metaphor theory*. (PhD thesis). Ferdowsi University, Mashhad, Iran [In Persian].
- Kövecses, Z. (2000a). The scope of metaphor. In A. Barcelona (Ed.), *Metaphor and metonymy at the crossroads* (pp. 79-99). Berlin: Mouton de Gruyter.
- Kövecses, Z. (2000b). *Metaphor and emotion: language, culture, and body in human feeling*. New York: Cambridge University Press.
- Kövecses, Z. (2008). Conceptual metaphor theory: some criticisms and alternative proposals. *Annual Review of Cognitive Linguistics*, 6, 168-184.
- Kövecses, Z. (2010a). *Metaphor: a practical introduction*. New York: Oxford University Press.
- Kövecses, Z. (2010b). Metaphor and culture. *Acta Universitatis Sapientiae Philologica*, 2(2), 197-220.
- Lakoff, G. (1987). *Women, fire and dangerous things: what categories reveal about the mind*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980a). *Metaphors we live by*. London: The University of Chicago Press.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980b). Conceptual metaphor in everyday language. *The Journal of Philosophy*, 77(8), 453-486.
- Ortony, A., Clore, G. L., & Collins, A. (1988). *The cognitive structure of emotions*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Pirzad, S. M., A. Pazhakh., & Hayati, A. (2012). A comparative study on basic emotion conceptual metaphors in English and Persian literary texts. *International Education Studies*, 5(1), 200-207
- Reijnierse W. G., Burgers C., Krennmayr T., & Steen G. (2019). Metaphor in communication: the distribution of potentially deliberate metaphor across register and word class. *Corpora* 14(3), 301-326.

- Rostambeik A., Amiri, M. A. (2019). Critical analysis of love metaphor in Persian lyrics: a corpus-based approach. *Zabanpazhuhi*, 11(30), 73-98 [In Persian].
- Sharafzadeh, M. H., & Zare, A. (2012). Cognitive study of metaphorical concept of fear in Persian language. In M. Dabir Moqaddam (Ed.), *Articles of the 8th Iran's Linguistics conference* (Vol. 1. pp. 400-407). Tehran: Allameh Tabatabaei University [In Persian].
- Sorahi, M. A., & Amouzadeh, M. (2014). A contrastive study of the metaphors of anger in Persian and English. *Comparative Linguistics Researches*, 6, 38-60.
- Zarghani, S. M., & Abad, M. (2014). Cognitive analysis of love metaphors in Sanā'ī's Ghazals. *Journal of Literary Studies*, 183, 1-30 [In Persian].
- Zoorvarz, M, Afrashi, A., & Assi, S. M (2014). Happiness conceptual metaphors in Persian: a cognitive corpus-driven approach. *Journal of linguistics and Khorasan dialects*, 2, 49-72 [In Persian].

Research article: Double Nature of Metaphorical Conceptualization of Love in Persian: A Cognitive Approach

Masoud Tavakkoli Garmaseh¹

Received: 22/ 06/ 2019

Accepted: 15/01/2020

Abstract

This article aims to conduct a cognitive corpus-based study on the double nature in metaphorical conceptualization of “Love” in two metaphorical systems of emotions and human relationships in Persian language. In doing so, 15 Persian novels were selected from Institute for Humanities and Cultural Studies' Persian Language Data Base (PLDB). To choose love-related keywords for being looked up in the corpus, Shahid Beheshti University's FarsNet (a Persian WordNet) was used as well as a Persian thesaurus. After listing the word family of “Love”, three more frequent synonyms of “Love” were used to be looked up in the corpus, and 62 source domains for metaphorical conceptualization of “Love” were detected. To compare these source domains with the source domains of human relationships, “Marriage”, as a prototype of human relationships was searched in the PLDB. Studying metaphorical expressions showed that 26 source domains existed for metaphorical conceptualization of “Marriage”. Comparing the source domains of “Love” and “Marriage” showed that three human-relationship-specific source domains of “Bond”, “War” and “Contract”, among others, were the common source domains for metaphorical conceptualization of both “Love” and “Marriage”. This confirms the double-nature of “Love” in Persian. Finally, these common source domains were compared with the source domains of basic emotions of “Anger” and “Happiness” and there happened to be no common source domain between “Love” and these two emotions, resulting in “Love” being probably the only emotion with a double nature.

This research has the Conceptual Theory of Metaphor, first suggested by Lakoff and Johnson in their book, *Metaphors We Live By* (1980), as its theoretical framework. According to this theory, metaphor is understanding an abstract concept with another concrete one. Emotions are very extensive human experiences, and since human cognition can affect emotions, linguistic study of emotions can contribute to a better grasp of human cognition. In this article, the source domains of “Love” and “Marriage” are presented separately. Then, the common source domains between the

¹ Linguistics Department, Faculty of Literature and Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran; masoudtavakkoli@modares.ac.ir

two are listed. We will see that the three source domains of “Bond”, “War” and “Contract”, the specific human relationship source domains, are common source domains between “Love” and “Marriage”, confirming the double nature of “Love.” In the present study, to find the conceptual metaphors of “Love”, three love-related words were searched in the corpus. Then, the relevant sentences were investigated one by one, and the expressions in which “Love” had been metaphorically conceptualized were studied, and 63 source domains were listed. The same was done for metaphorical conceptualization of “Marriage” and 26 source domains were found. While usually intuition is used to determine the source domains in linguistic metaphor studies, this study, for the first time in cognitive studies of metaphor in Persian language, used the corpus itself to determine the source domains rather than the intuition. The reason is that more often than not; linguists do not agree with each other in terms of which source domains represent which target domains. So, when a source domain could not be determined easily, instead of referring to intuition, the collocations of that word were looked up in the corpus, and the most frequent concrete concept was chosen as the source domain .

Then, the two lists of source domains were compared, showing 18 common source domains. From among these common source domains, three source domains of “Bond”, “War” and “Contract” showed meaningful correspondence to “Love” source domains. By 'meaningful', we mean the source domains that can prove the double nature of “Love” because comparing metaphorical conceptualization of every two concepts is likely to show such correspondences. However, “Bond”, “War” and “Contract” are specific source domains of human relationships as they cannot exist without two active sides. To make sure that these three source domains are specific to “Love”, not other emotions, they were cross-checked with the findings of two studies on metaphorical conceptualization of “Anger” and “Happiness”. Lack of any commonality between the meaningful source domains of “Love” and the source domains of “Anger” and “Happiness” proves that this double nature is specific to “Love” and not any other emotion.

This article showed that in Persian, like English, “Love” has a double nature in terms of metaphorical conceptualization in that it shows the characteristics of emotions and human relationships at the same time. The novel usage of corpus in this study was done for the first time in Persian language studies of metaphor. Findings of this kind help researchers get closer to the relationship between different metaphorical systems which in turn facilitates our knowledge of how metaphors are produced and perceived in human languages.

Keywords: Conceptual Theory of Metaphor, Emotions, Human Relationships, Double Nature